

کنگره اسلامی در اورشلیم

جاییکه مادر و فرزند در یکقدمی هم ایستاده
ولی جرئت نزدیک شدن بیکدیگر را ندارند .
واشخاص آواره ای که با چشمانی حسرت‌بار ،
از فاصله پنجاه قدمی بمنازل مجلل خود نگاه می -
کنند ، واز ورود بمنازل خویش محروم میباشند ،

مؤتمر چیست ؟

سال ۱۳۷۳ بود که يك جلسه بين المللی از نمایندگان ملل اسلامی در شهر قدس
تشکیل شد و شرکت کنندگان این جلسه فقط ۱۴ نفر بودند ، حوادث خونین فلسطین و
تجاوز یهود باین سرزمین اسلامی فلپها را جریحه دار کرده بود .

سیاست شوم بین المللی و ناخدايان کشتی سیاست جهانی بیهودیان ابن قول را
داده بودند که سرزمینی بآنها بخشیده و دولتی مستقل برای آنها بوجود آورند ، و
گویا از مزه تشکیل دولت مستقل برای یهود حتی از بعد از جنگ جهانی اول نیز بگوش میرسیده
است ، در جنگ جهانی دوم بود که آلمان جداً تصمیم باخراج یهود از کشور خود گرفت ،
یهودیان دوره کرده هیچ مملکتی بآنها راه نمیداد ، از روح سلیم فرزندان اسلام سوء
استفاده نموده ، و پس از بندوبست های خائنانه ای که بادل بزرگ نمودند ، راه فلسطین
را در پیش گرفتند .

در فلسطین خانه ها و املاک زیادی توسط یهودیان خریده شد . و روز بروز هم دامنه
فعالیت های آنان در این ناحیه گسترش پیدا می کرد ، به و از این فعالیت های علنی جبهه صهیونیست
بین المللی نیز بیکار ننشسته بایک سلسله فعالیت های زیر زمینی ، و سایر انقلاب و تجاوز
را از هر جهت فراهم می کرد .

اسلحه زیادی در شکم تپه‌های سرسبز فلسطین ذخیره شد ، سرمایه های بزرگ یهودیان امریکانیز در راه کمک باین برنامه های ضد بشری و ضد اسلامی بکار افتاده بود و مسائل اذهر جهت فراهم ، و این تروریستهای بین المللی فقط منتظر فراهم شدن زمینه بین المللی و دستور بعضی از دول بزرگ بودند .

دستور داده شد ؛ و بدنبال آن شعله انقلاب زبانه کشید ، سیلاب خون فرزندان اسلام سرزمین باصفای فلسطین را رنگین کرد ؛ هیچ لزومی ندارد که مادر اینجا با ترسیم صحنه های جنگ ناچوان مردانه فلسطین ، قلب خوانندگان را متأثر نموده واشک حسرت از دیدگان شان جاری سازیم ، مادر نوشتن این مقالات هدفی جز این نداریم .

فلسطین در گام دهمین

انقلاب شد و سرزمین فلسطین بدنبال اسپانیا رفت اسپانیا بکام مسیحیت و فلسطین در کام یهود . این حادثه بزرگ اسلامی که پس از واقعه اسپانیا و جنگهای صلیبی آن سامان در نوع خود بی نظیر بود ، عکس العملهایی را در ملت های اسلامی ایجاب میکرد ، موجی از نفرت و انزجار در سراسر ممالک اسلامی رافرا گرفت و بلکه بشریت را ؛

بشریت آزاد از مطامع ؛ بشریت آزاد از نظر های شوم استعماری ، و بالاخره بشریت بمعنای واقعی خود ، بروح متجاوزین صهیونیست لعنت و نفرین فرستاد . صهیونیسم در جنگ فلسطین بدون هر ماسکی قیافه ناچوان مردانه خود را بدنیان نشان داد .

تجاوز باین صراحت ؟ !

حتی در جنگلهای وحشی سواحل رودخانه آمازون نیز سابقه ندارد که عده ای تنها بامنطق زور و بازبان اسلحه گرم شخصی را از خانه و کاشانه خود بیرون کرده و زندگی او را تصاحب کنند ، ولی مامتأسفانه این صحنه را با چشم خود و در روز روشن و بدبختانه در عصر سفینه های فضایی دیدیم ، مسلمین آواره و بی پناه در میان بیابان و در زیر آلودگی های حمیری و احياناً گلی ؛ زندگی نموده و در پنجاه قدمی خود ، آری درست در آن طرف دیوار باصطلاح مرزی که بیش از پنجاه قدم فاصله ندارد خانه های مجلل و آبرومند خود واکه نتیجه يك عمر فعالیت و کار و کوشش آنها بوده است ، در دست غاصبین می بینند ؛

يك مسلمان فلسطینی با چشمانی حسرت بار آشیانه و زندگی خود را می بیند که منزلگاه عده ای از یهودیان دوره گرد شده ؛ آیا بشریت می تواند در مقابل این حوادث سکوت کند ؛ بدرومادری درست در یک قدمی فرزند دلبد خود باشد ، بدون اینکه حتی بتواند اندکی جلوتر رفته و فرزند عزیزش را نوازش کند ؛

«بیت صفافا» قریه ایست که بین عرب و اسرائیل تقسیم شده ، نیمی از آن در دست اسرائیل و نیمی از آن در دست عرب است ، اهالی این آبادی همه باهم خویش و از بستگان یکدیگرند ، قسمت اسرائیل از قسمت عرب بوسیله سیم خاردار مجزا شده ، و چنین اتفاق افتاده که مثلاً پدر و مادر در یک قسمت و فرزند در قسمت دیگر است .

ولی دشمنان بشریت ، آنچنان محیط ترور و وحشتی ایجاد کرده اند ، که نه آن مادری تواند بقسمت دیگر رفته و فرزند خود را به بیندونه آن فرزند قدرت نزدیک شدن بخانه مادری دارد ؛ مادر آن طرف سیم ، و فرزند این طرف ، فقط از دور و با زبان نگاه بایکدیگر راز و نیاز نموده و بروح کسانی که موجب این جدائی شده اند لعنت می فرستند ، راستی چشمان اشکبار و قیافه پر اندوه آنها دل بشریت رامی لرزاند .

آیا بشریت می تواند در مقابل این حوادث سکوت کند ؛ و بدبختانه این صحنه های ضد انسانی در عصری بوجود آمده که دنیا دارای سازمان پرطنطنه ملل متحد است .

تخم دوزرده سازمان ملل !

چیزیکه بیشتر مایه تأسف است و جهانیان را باین سازمان عربی و طویل جهانی بدین میکند آنستکه دولت غاصب یهود در مقابل چشم پلیس صلح بین المللی و با پشتیبانی آنها راه خود را بخلیج عقبه باز نموده ، و باین عمل راه دریائی فوق العاده مهمی بسوی سواحل شرقی افریقا و آسیا ، و استرالیا بدست آورده است .

و اگر بدست آوردن این راه حیاتی دریائی برای یهود میسر نمیشد ؛ این دولت هرگز نمی توانست ، بازارهای پر رونقی برای کالاهای خود بدست آورده و روز بروز بنیه اقتصادی خود را تقویت کند .

آری اینهم تخم دوزرده سازمان ملل و پلیس صلح در ناحیه فلسطین است !

عکس العمل

بدیهی است که جهان اسلام در مقابل این حوادث ضد بشری نمی توانست ساکت باشد ؛ باید دست بگراشد ، کشورهای عربی پس از پایان یافتن جنگ و فرمان آتش بس راههای دگری را در پیش گرفتند .

بزرگترین وظیفه اعراب مرز نشین که مستقیماً مورد تجاوز قرار گرفته و با چشمان خود ناظر آن صحنه های ضد انسانی بوده اند ، این بود ، که اولاً تمام دولتها و ملت های اسلامی را نسبت بقضیه فلسطین روشن نموده و هرچه بیشتر کمکهای مادی و معنوی آنها را نسبت بعمل قضیه فلسطین (بر اساس استرداد سرزمینهای منصوبه) جلب کنند .

وظیفه مهم تر آنکه بایک سلسله فعالیتها و تظاهرات و تبلیغات دامنه دار نگذارند که این حادثه بزرگ اسلامی مشمول قانون مرور زمان شده و حتی خود ملت های عرب نسبت بآن بی اعتنا گردند ، می بایست آن شعله غضب و انتقامی که در قلب های مسلمانان در برده و امرشعله ور شده تادوز گرفتن حق مسلم آوارگان مسلمان باقی بماند .

باید آن موج نفرت و انزجاری که متوجه این تجاوز ناجوانمردانه شده است تادوز استرداد فلسطین مسلمان ، گسترش خود را از دست ندهد و از همه مهمتر آنکه باید فکری برای سازمان ملل کرد ، و برای حل مسئله در صدد تهیه آرائی بنفع مسلمانان در سازمان ملل بود .

و مخصوصاً برای این منظور می بایست بیشتر عقر به فعالیت را متوجه کشورهای کوچک و بی طرف افریقایی نمود ، باید مسئله فلسطین برای آنان نیز روشن شود و از عواطف انسانی و احیاناً اسلامی آنها بنفع استرداد سرزمین فلسطین استفاده نمود اینها بیک سلسله برنامه هایی بود که می بایست اجراء شود .

برای رسیدن باین هدف های اساسی بود که کشورهای عربی فعالیت های خود را شروع کردند .

از آنجمله تشکیل «مؤتمر» یا کنگره اسلامی فلسطین بود که شرح آنرا در شماره های آینده خواهید خواند .

انتخاب افسران و سران سپاه

۱- کسانی را بمقام افسری انتخاب کن که نسبت باحکام خدا و پیغمبر خیر خواه تر و دلسوزتر باشند .

۲- عقیف ترین و امین ترین افراد باشند

۳- به عظمت روح و شجاعت قلب و خوی برد باری سر آمد همه سپاه باشند .

۴- نسبت بناتوانان و بیچارگان رؤف و مهربان باشند

۵- اذا جعاف و تعدی ستمگران و گردنکشان جلو گیری کنند .

۶- تامیتوانی افسرانرا از خانواده های نجیب و دودمان های پاک و

باشرافت و اوصیل انتخاب کن

اینها را رعایت کن تا نیروی خود را که عهده دار وظائف سنگینی است

با مهمات فضائل و اخلاق تجهیز کرده باشی (قسمتی از فرمان امیر مؤمنان

علی (ع) بمالك اشتر- نقل از نهج البلاغه)